



Political-Security Relations Between Iran and Pakistan in Southwest Asia: Reasons and Consequences

Danyal Rezapoor 

Assistant Professor, International Relations, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Guilan, Iran. E-mail: danyalrezapoor@guilan.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
13 August 2024
Revised version
received:
26 September 2024
Accepted:
30 September 2024
Available online:
28 December 2024

Keywords:
Iran,
Pakistan,
cross-border security,
competition,
bilateral relations

ABSTRACT

Objective:

Following the Islamic revolution in Iran, the dominance of the discourse of political Islam and the increase of its impact on the Pakistani society during the last few decades, and due to ideological and security issues, the two friendly and neighboring countries could not have acceptable relations. For this reason, the general opinion considers the nature of relations between Iran and Pakistan as critical, unreliable and divergent, and different geopolitical alignments in the region have pushed the two nations further apart. Considering this issue, the main question of the research is as follows: “what factors have increased the differences and competition between Iran and Pakistan after the Islamic Revolution?”. The research hypothesis indicates that “the most important factor in the competitive nature of Iran and Pakistan relations is the security and political conditions derived from the incompatible and challenging environment of the neighborhood and the geopolitical competition of the two countries in the region of Southwest Asia”. Among the incompatible geopolitical challenges and competitions between the two countries, the ideological and ethnic issues, the border and the India-Saudi factor can be mentioned. The research method is descriptive-analytic and data gathering procedure is based on documentary-library sources.

Cite this article: Rezapoor, Danyal (2024). “Political-Security Relations Between Iran and Pakistan in Southwest Asia: Reasons and Consequences”, *Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 54, (4): 599-622, DOI: <https://doi.org/10.22059/JPQ.2024.380809.1008200>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JPQ.2024.380809.1008200>

Introduction

The Islamic Republic of Iran, with fifteen land and maritime neighbors, has a large sphere of diverse neighbors with varying capabilities alongside it. This can be framed within the concept that neighbors influence its strategic policies. Among Iran's existing neighbors, its relationship with Pakistan has always revolved around the axis of security and respective strategic interests. Political and economic engagement between the two countries has always proceeded under the shadow of this security paradigm. The aim of this research is to elucidate the political and security dimensions and components of the oscillating relationship between Iran and Pakistan, as well as to investigate how Iran can secure its national interests and security in the developments of Southwest Asia.

The research method

The research method is descriptive-analytic and data gathering procedure is based on documentary-library sources.

Results

This article is based on the premise that Iran-Pakistan relations have always been a scene of competition and cooperation in Southwest Asia. Following the Islamic Revolution in Iran, the dominance of political Islam discourse, and its increasing influence on Pakistani society over the past few decades, the two friendly and neighboring countries have been unable to maintain acceptable relations due to issues that are typically ideological and security. Consequently, the general belief is that the nature of Iran-Pakistan relations is crisis-prone, unreliable, and divergent. Different geopolitical alignments in the region have driven the two nations further apart. Given this issue, the main research question is: what factors have led to increased differences and competition between Iran and Pakistan after the Islamic Revolution? The hypothesis suggests that the most important factor in the competitive nature of Iran-Pakistan relations is the security and political conditions stemming from the incompatible and challenging neighborhood environment and the geopolitical rivalries between the two countries in the Southwest Asian region.

Conclusions

Based on the available data and research hypothesis, the core issue in Pakistan-Iran relations is the lack of political relations and economic interaction between the two countries that could address national security concerns and sectarian connections between the two sides. Therefore, a potential review of Pakistan's strategic outlook and regional alignment, as well as changes in Iran's competitive relations with China, India, and Saudi Arabia, may alter the future of bilateral relations. In this discussion, we should also consider the cooperation between political and military leaders on this issue. Consequently, the security and political dynamics of the two countries depend on fundamental changes in the aforementioned areas. These issues indicate the need for changes in both domestic and regional sectors.

Ethical considerations

Following the principles of research ethics this research is based on the code of ethics numbered by the ethics committee of the faculty. The author has followed the ethical principles in conducting and publishing this scientific research and this issue is approved by the author.

Conflict of interest

According to the author of this article, there is no conflict of interest.

Acknowledgement

The author considers it necessary to thank Dr. Siddiq Azin for reading and providing valuable comments on this article.

مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و پاکستان در جنوب غرب آسیا؛ دلایل و پیامدها

دانیال رضاپور 

استادیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.
رایانامه: danyalrezapoor@guilan.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از پاتزده همسایه ارضی و دریایی، حوزه بزرگی از همسایگان متفاوت با توانایی‌های مختلف را در کنار خود دارد و می‌توان آن را در این چارچوب فکری گنجانده که همسایگان در سیاست‌های راهبردی آن تأثیرگذارند و در بین همسایگان موجود در اطراف ایران، روابط این کشور با پاکستان همواره حول محور امنیت و منافع راهبردی مربوطه می‌چرخد و تعامل سیاسی و اقتصادی بین دو کشور همواره زیر سایه این پارادایم امنیتی پیش رفته است.

از این رو هدف پژوهش حاضر تبیین ابعاد و مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی روابط آونگی ایران و پاکستان و چگونگی تأمین منافع و امنیت ملی ایران در تحولات جنوب غرب آسیاست.

روش پژوهش: بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش روندپژوهی و نمونه‌پژوهی به‌عنوان روش‌های پژوهش کیفی است و در جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی استفاده شده است.

یافته‌ها: این پژوهش بر این پایه استوار است که روابط ایران و پاکستان همواره صحنه رقابت و همکاری در جنوب غرب آسیا بوده است و در پی وقوع انقلاب اسلامی در ایران، حاکم شدن گفتمان اسلام سیاسی و افزایش تأثیر آن بر جامعه پاکستان طی چند دهه اخیر به‌تبع مسائلی که به‌طور معمول ایدئولوژیک و امنیتی است، دو کشور دوست و همسایه چنانکه شایسته است نتوانستند مناسبات قابل قبولی داشته باشند. از این رو با توجه به این مسئله سؤال اصلی پژوهش این است که چه عواملی پس از انقلاب اسلامی سبب افزایش اختلاف و رقابت میان ایران و پاکستان شده است؟ فرضیه در نظر گرفته شده بیانگر آن است که مهم‌ترین عامل در ماهیت رقابت‌جویانه ایران و پاکستان شرایط امنیتی و سیاسی برگرفته از محیط ناسازگار و چالش‌برانگیز همسایگی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی دو کشور در منطقه‌ی آسیای جنوب غربی است که در یافته‌های پژوهش به چالش‌ها و رقابت‌های ناسازگار ژئوپلیتیکی بین تهران و اسلام‌آباد، مسائل ایدئولوژیک، قومیتی، مرزی و عامل هند-عربستان اشاره می‌شود.

نتیجه‌گیری: بر اساس داده‌های موجود و فرض پژوهش مشکل هسته اصلی روابط پاکستان و ایران فقدان روابط سیاسی و تعامل اقتصادی بین دو کشور است که بتواند نگرانی‌های امنیت ملی و ارتباط فرقه‌ای بین دو طرف را برطرف کند. بنابراین شاید بازنگری احتمالی در چشم‌انداز راهبردی و همسویی پاکستان در منطقه و نیز تحول در روابط رقابتی ایران با چین-هند و عربستان، آینده روابط دوجانبه را تغییر دهد. البته در این بحث باید همکاری بین رهبران سیاسی و نظامی در این موضوع را نیز در نظر داشته باشیم. در نتیجه معادلات امنیتی و سیاسی دو کشور منوط به تغییرات اساسی در مباحث مذکور است؛ مباحثی که نشان‌دهنده لزوم تغییر در بخش‌های داخلی و منطقه‌ای است.

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۰۸

کلیدواژه‌ها:

ایران،
پاکستان،
امنیت فرامرزی،
رقابت،
روابط دوجانبه

استناد: رضاپور، دانیال (۱۴۰۳). مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و پاکستان در جنوب غربی آسیا؛ دلایل و پیامدها، ۵۴ (۴)،

۵۹۹-۶۲۲

<http://doi.org/10.22059/JPQ.2024.380809.1008200>



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

بخشی از متون روابط بین‌الملل امروزی با تأثیرپذیری از انقلاب اطلاعات و ارتباطات بر کاهش نقش عامل جغرافیا در عرصه روابط بین‌الملل تأکید می‌کنند. با وجود این عامل جغرافیا و به‌ویژه همجواری همچنان به‌عنوان عنصری مهم در روابط کشورها نقش آفرینی می‌کند و بدون در نظر گرفتن روابط کشورها با همسایگان برآورد امنیت و منافع ملی آنها امری غیرممکن است. شناخت میزان توانایی و آسیب‌پذیری کشورها، تابع شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی هر کشور است، اما به‌عنوان یک اصل کلی در سراسر جهان، همسایگان از نقش منحصربه‌فرد و ویژه در سیاست‌های راهبردی هر کشور برخوردارند. روابط همسایگان، خواسته یا ناخواسته، دوستانه یا خصمانه، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر امنیت و تمامیت ارضی هر کشوری دارد. بر این اساس ج.ا. ایران با برخورداری از پانزده همسایه ارضی و دریایی، حوزه بزرگی از همسایگان متفاوت با توانایی‌های مختلف را در کنار خود دارد و می‌توان آن را در این چارچوب فکری گنجانده که همسایگان در سیاست‌های راهبردی آن تأثیرگذارند (Arjmand *et al.*, 2013: 2). در بین همسایگان موجود در اطراف ایران، روابط این کشور با پاکستان همواره حول محور امنیت و منافع راهبردی مربوطه می‌چرخد و تعامل سیاسی و اقتصادی بین دو کشور همواره زیر سایه این پارادایم امنیتی پیش رفته است. پیش از آنکه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در ایران رخ دهد، فضای اعتماد میان محافل هر دو کشور برقرار بود. با این حال، این روند پس از سال ۱۳۵۷ تغییر کرد و واقعیت‌های سیاسی جدیدی در رابطه ایران و پاکستان به‌وجود آورد، زیرا با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومتی دینی و از سوی دیگر اظهارات رهبران ایران مبنی بر حمایت از مستضعفان جهان و صدور انقلاب، کشورهای هم‌پیمان غرب همچون پاکستان دچار نگرانی شدند. در این میان، دسترسی آسان و سریع ایران به پاکستان به‌دلیل همجواری مرزی، وجود جمعیت شیعه و تحركات نهادهای ایرانی در آن کشور نگرانی دولتمردان پاکستانی را دوچندان ساخته است. در این بین اعتراض شیعیان پاکستانی به قوانین وضع‌شده از سوی ضیاء‌الحق و حاکم شدن گفتمان ایدئولوژیک مبتنی بر اسلام سیاسی و اتخاذ رویکرد تجدیدنظرطلبانه در سیاست خارجی، نشان‌دهنده آغاز فصل جدیدی از مناسبات میان اسلام‌آباد و تهران است که دامنه گسترده‌ای از رقابت و همکاری را در برمی‌گیرد (Dehshiri & Meshki, 2016: 6).

منافع راهبردی پاکستان در منطقه چه در خصوص افغانستان و چه در مورد چشم‌انداز گسترده‌تر غرب آسیا تا حدود بسیاری با منافع ج.ا. ایران پس از سال ۱۳۵۷ به این سو در تضاد است. در چند دهه گذشته، چشم‌انداز سیاست خارجی هر دو کشور نسبت به منطقه بر اساس دیدگاه‌های امنیتی‌شان شکل گرفته است. این مسئله موجب شده است تا ایجاد روابط سیاسی قوی میان دو بازیگر منطقه‌ای جنوب غرب آسیا که اساساً در چشم‌انداز راهبردی‌شان اصول

متفاوتی دارند، دشوار شود. این بی‌اعتمادی میان دو کشور با پیش‌فرض قرار دادن آن که دیگری، عناصر نامطلوب برای امنیت ملی کشورش (گروه‌های تروریستی) را پناه می‌دهد و مسیر را برایشان هموار می‌سازد، بدتر شده است. در چنین وضعیتی، طرفداران تعامل سیاسی و اقتصادی در تهران - اسلام‌آباد به‌علت اینکه نگرانی تصمیم‌گیرندگان به حداکثر رساندن امنیت ملی است، راهبرد عقب‌نشینی و در سایه بودن را دنبال کرده‌اند. با وجود این تغییر ساختاری در سیاست منطقه‌ای که مفاهیم امنیتی هر دو کشور را مجدداً تنظیم می‌سازد و همچنین تغییر در فرایندهای تصمیم‌گیری و بازیگران در داخل ایران و پاکستان در نهایت قادر است بر ماهیت امنیتی این رابطه تأثیر مثبتی بگذارد. بر این اساس تحقیق حاضر در پی آن است تا سطح روابط دو کشور را در زمینه‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی تحلیل و عامل اساسی اختلاف دو کشور را با توجه به محیط ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بررسی کند. با توجه به این مسئله پرسش اصلی پژوهش این است که چه عواملی پس از انقلاب اسلامی سبب افزایش اختلاف و رقابت میان ایران و پاکستان شده است؟ فرضیه در نظر گرفته شده بیانگر آن است که مهم‌ترین عامل در ماهیت رقابت جویانه ایران و پاکستان شرایط امنیتی و سیاسی برگرفته از محیط ناسازگار و چالش‌برانگیز همسایگی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی دو کشور در منطقه‌ای آسیای جنوب غربی است که در یافته‌های پژوهش چالش‌ها و رقابت‌های ناسازگار ژئوپلیتیکی بین تهران و اسلام‌آباد، مسائل ایدئولوژیکی، قومیتی، مرزی و عامل هند - عربستان است.

۲. روش پژوهش

این تحقیق بر اساس رویکرد توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش روندپژوهی و نمونه‌پژوهی به‌عنوان روش‌های پژوهش کیفی نگارش شده است. در جمع‌آوری اطلاعات نیز با توجه به موضوع بحث یعنی مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و پاکستان، از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی استفاده شده است.

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر، تحقیقات سودمندی انجام گرفته است که نویسنده ضمن بهره‌برداری از آنها سعی در تحلیل همه‌جانبه تهدیدات و فرصت‌های امنیتی و سیاسی دو کشور با پیشینه‌ی فرهنگ و تمدنی مشترک دارد. نیکولینی در مقاله «۲۰۲۴، مردم بلوچ و بحران ایران و پاکستان» ضمن بررسی ابعاد تاریخی، قومی و ژئوپلیتیکی مردم بلوچ و نقش آنها در بحران جاری ایران - پاکستان به تصمیم ج.ا. ایران در قبال انجام حملات هوایی سنگین علیه پاکستان در ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴، که مراکز نظامی گروه جیش‌العدل در بلوچستان را هدف قرار داد و تنش بی‌سابقه‌ای را

به همراه داشت، می‌پردازد. همچنین نگارنده به تحلیل پاسخ پاکستان در ۱۸ ژانویه ۲۰۲۴ که شامل حملات پهپادی و موشکی به خاک ایران بود و سبب وخیم‌تر شدن وضعیت امنیتی دو کشور و کاهش سطح روابط دوجانبه به پایین‌ترین نقطه خود در کنار نگرانی‌هایی درباره بی‌ثباتی بیشتر در منطقه شد، پرداخته است (Nicolini, 2024). عمر کریم و سالون کاپور در فصل دوم کتاب *امنیت منطقه‌ای در جنوب آسیا و خلیج فارس* به بررسی روابط پاکستان با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^۱ می‌پردازند. آنها تحلیل مفصلی از روابط دوجانبه پاکستان با هریک از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، کویت و عمان ارائه می‌دهند. نویسندگان همچنین به ذکر مهم‌ترین موارد اختلاف در معادلات پاکستان با کشورهای مذکور از جمله تلاش پاکستان برای حفظ روابط با ایران به‌عنوان رقیب عربستان سعودی و روابط قوی کشورهای شورا با رقیب پاکستان یعنی هند می‌پردازند. در نهایت، نگارندگان سه چالش اخیر را که در روابط پاکستان و شورای همکاری خلیج فارس ظهور کرده‌اند، توضیح می‌دهند. این موارد شامل تصمیم اولیه پاکستان برای عدم مشارکت در ائتلاف نظامی اسلامی برای مبارزه با تروریسم^۲ به رهبری عربستان سعودی و درگیر نشدن در جنگ یمن، امتناع از موضع‌گیری در حمایت از عربستان سعودی در بحران قطر/خلیج فارس و همچنین عدم تمایل برای به رسمیت شناختن اسرائیل در زمینه امضای توافقنامه ابراهیم در سال ۲۰۲۰ توسط بحرین و امارات متحده عربی بوده است (Karim & Kapur, 2023). عمر کریم در مقاله «روابط پاکستان و ایران و تغییر ماهیت امنیت منطقه‌ای و داخلی و منافع استراتژیک» معتقد است که روابط پاکستان و ایران طی زمان در حال تکامل بوده است. پیوندهای این دو همسایه از طریق نگرانی‌های امنیتی دوجانبه، منافع راهبردی و همچنین تغییرات در هویت سیاسی دو کشور شکل گرفته است. پاکستان و ایران در زمان رژیم پهلوی متحدان نزدیکی بودند، زیرا چشم‌انداز سیاسی هماهنگ و عضویت مشترکی در بلوک سیاسی رهبری‌شده توسط آمریکا در طول جنگ سرد داشتند. با انقلاب اسلامی، هویت ملی ایران دچار تغییر شد و چشم‌انداز سیاسی مقابله‌جویانه‌ای ظهور کرد. در نتیجه منافع ژئوپلیتیکی و همسویی‌های متفاوت در منطقه دو ملت را از هم دورتر کرد. پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان، هر دو طرف گروه‌های متفاوتی را پشتیبانی کردند و روابط دوجانبه به دلیل حمایت پاکستان از طالبان که شیعیان افغانستان را تحت آزار و اذیت قرار داد و در به شهادت رساندن دیپلمات‌های ایرانی نقش داشت، رو به وخامت رفت (Karim, 2023). رازا در مقاله «روابط پاکستان و ایران در محیط بین‌المللی در حال تحول» معتقد است که پاکستان و ایران دو کشور همسایه هستند که روابط دوستانه‌ای دارند، اما پتانسیل واقعی

1. GCC
2. IMAFT

روابط آنها هنوز شکوفا نشده است. این تحقیق در پی برجسته کردن حوزه‌های همگرایی و واگرایی میان ایران و پاکستان در پس‌زمینه محیط بین‌المللی در حال تغییر است. خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک^۱ بسیاری از کشورها، به‌ویژه این کشور را در امنیت خیالی مبهم در مورد پروژه‌های خود با ایران قرار داده است. این تحول اهمیت عامل آمریکا در روابط پاکستان-ایران را منعکس می‌کند. سایر عوامل مهم شامل وضعیت افغانستان، درگیری هند با ایران، روابط پاکستان- عربستان و رقابت ریاض-تهران است. روابط پاکستان و ایران به دلیل اتحادهای گذشته آنها فاقد عمق و اعتماد متقابل است. نگارنده معتقد است که این دو کشور در پرتو اتحادهای جدید و تغییرات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توانند اعتماد ازدست‌رفته را احیا سازند (Raza, 2020). همان‌طور که سابقه پژوهش نشان می‌دهد در هیچ‌یک از کتاب‌ها و مقالات، تحلیلی جامع و تبیینی نظری از روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی به چشم نمی‌خورد. پژوهش حاضر در پی آن است تا سطح روابط دو کشور را در زمینه‌های مختلف بعد انقلاب اسلامی تحلیل کرده و عامل اساسی ماهیت اختلاف و رقابت دو کشور را در زمینه‌های مختلف با توجه به محیط ژئوپلیتیکی و مسائل و معضلات امنیتی- سیاسی تشریح کند.

۴. چارچوب نظری (مجموعه امنیت منطقه‌ای - بازی دوسطحی)

برای تحلیل و تبیین داده‌های پژوهش از دو مفهوم نظری مجموعه امنیتی منطقه‌ای و بازی دوسطحی استفاده شده است. این دو چارچوب فکری از منظر امنیتی و سیاسی قادرند به‌صورت مطلوب روابط میان دو کشور ایران و پاکستان را شفاف و مورد واکاوی قرار دهند، زیرا از منظر بوزان و ویور، یک مجموع امنیت منطقه‌ای^۲ «به معنای شبه‌سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگرند» (Buzan & Waver, 2003: 44). در این تعریف، دو نکته مهم و برجسته وجود دارد؛ نخست وجود شبکه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و دیگری وجود نزدیکی جغرافیایی میان اعضای مجموعه. نکته مهم‌تر همان‌گونه که اشاره شد وجود الگویی از روابط امنیتی میان اعضاست که در واقع زیربنای اصلی شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر سبب تمایز این مجموعه‌ها از سایر اشکال گروه‌ها و احتمالاً مجموعه‌های اقتصادی، فرهنگی و ... می‌شود. در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، بخش‌های عمده فرایندهای امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن در خوشه‌های مجموعه‌های منطقه‌ای نمود پیدا می‌کند. از سوی دیگر،

1. JCPOA

2. RSC

ویژگی‌های امنیتی در سطح منطقه‌ای پایدارند. این ویژگی‌ها در اصل خودکفا هستند نه به خاطر مستقل بودن، بلکه به این خاطر که پویایی امنیتی دارند که حتی بدون تأثیر بازیگران دیگر خودبه‌خود وجود دارند. بر همین اساس سطح منطقه‌ای به‌عنوان سطح تحلیل اصلی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد تأکید قرار می‌گیرد. در تعریف امنیت منطقه‌ای عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌هاست. منظور از دوستی این است که در روابط آنها، دامنه‌ای متشکل از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم است. چیزی که این دو را از یکدیگر جدا می‌کند، فاصله وسیعی متشکل از بی‌تفاوتی یا بی‌طرفی است که در آن دوستی و دشمنی یا به‌حدی ضعیف است که چندان به حساب نمی‌آید، یا به‌طوری که هم آمیخته است که گرایش آشکاری به هیچ طرف ندارد. با این استدلال بوزان و ویور با دسته‌بندی‌ای که برای مناطق انجام داده‌اند، بحران و کشمکش را مسئله دائمی برای مجموعه امنیتی جنوب غرب آسیا می‌دانند. به‌زعم آنها، ساختار پیچیده منطقه سبب شده است تا این منطقه همیشه در تنش و بحران باشد. جنوب غرب آسیا از آن‌رو پیچیده است که کشورهای آن از ناهمگنی‌های پرخشونت در زمینه ویژگی‌های قومی، دینی، ملی و قبیله‌ای رنج می‌برند. علاوه بر این، اغلب کشورهای منطقه با یکدیگر اختلاف مرزی دارند. این اختلاف‌ها به اضافه علایق ناسیونالیستی دولت‌های حاکم بر منطقه که اغلب بسیار مقتدر و سرکوبگرند، جنوب غرب آسیا را به صندوق بحران تبدیل کرده است (Simbar et al., 2019: 4-5).

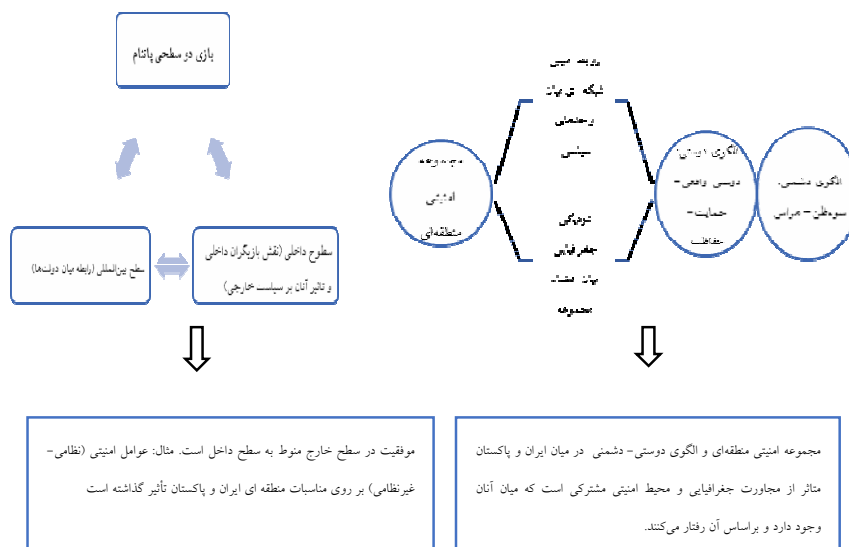
اینک بر اساس نگاه بوزان و ویور می‌توان سیاست خارجی ایران و پاکستان را در چارچوب الزامات مجتمع‌های امنیتی منطقه‌ای دانست. بر اساس این مفهوم محیط‌های امنیتی وجود دارد که این دو کشور را به هم متصل کرده و در عین حال بر صمیمیت تاریخی روابط دوجانبه تأثیر منفی گذاشته و مدیریت روابط را برای سیاستگذاران دو طرف دشوار ساخته است (Calabrese, 1997). مشکلات امنیتی پاکستان با هند و رقابت ایران با عربستان سعودی نظریات امنیتی مربوط به آنها را تشکیل می‌دهد که در نهایت واکنش‌های سیستمی ناشی از اقدامات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تفسیر می‌کند و متعاقباً به آنها پاسخ می‌دهد.

از سوی دیگر علاوه بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان و ویور نقش بازیگران سیاسی داخلی و نظام‌های سیاسی در هر دو کشور و همچنین تأثیر آنها بر مسیر روابط دوجانبه موجب می‌شود تا نظریه بازی دوسطحی^۱ پاتنام نقش مکمل را برای توضیح این پژوهش ایفا کند. نظریه بازی دوسطحی یک مدل سیاسی است که توسط رابرت پاتنام در سال ۱۹۸۸ معرفی شد و به بررسی تعاملات داخلی و بین‌المللی میان کشورها می‌پردازد. این نظریه نشان می‌دهد که

1. Two level game

مذاکرات بین‌المللی در واقع شامل دو سطح از مذاکرات است: سطح اول، سطح بین‌المللی که در آن دولت‌ها با یکدیگر مذاکره می‌کنند؛ سطح دوم، سطح داخلی که در آن بازیگران اجتماعی و سیاسی در داخل کشور بر روی سیاست‌های خارجی فشار وارد می‌کنند. پاتنام در این نظریه توضیح می‌دهد که موفقیت در مذاکرات بین‌المللی به این بستگی دارد که آیا توافقات بین‌المللی می‌توانند در سطح داخلی تأیید شوند یا خیر. به عبارت دیگر، هر دولت باید پیش از پذیرش توافقات بین‌المللی، حمایت داخلی را جلب کند. این حمایت می‌تواند به صورت رأی‌گیری رسمی یا نظرسنجی‌های عمومی باشد. نظریه دوسطحی به این نکته اشاره دارد که اندازه «مجموعه پیروزی»^۱ هر کشور، یعنی دامنه توافقات ممکن که می‌تواند در سطح داخلی تأیید شود، نقش مهمی در موفقیت مذاکرات بین‌المللی ایفا می‌کند. هرچه این مجموعه بزرگ‌تر باشد، احتمال موفقیت در مذاکرات بیشتر است. به طور کلی، نظریه دوسطحی به تحلیل پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل و تأثیرات متقابل سیاست‌های داخلی و خارجی کمک می‌کند و به‌عنوان ابزار مفیدی در تحلیل سیاست خارجی به کار می‌رود. بنابراین این رویکرد برای توضیح روابط امنیتی دوجانبه بین منطقه‌ای و تأثیر متغیرهای داخلی روابط ایران و پاکستان مناسب است، زیرا در سطح داخلی، ماهیت ساختارهای قدرت در پاکستان و ایران با ساختارهای دموکراسی غربی متفاوت است؛ بنابراین هم ایران و هم پاکستان دارای شکل منحصر به فردی از ساختار حکومت‌داری ترکیبی هستند؛ جایی که نهادهای امنیتی دولت و عناصر مذهبی تسلط دارند یا در یک رابطه تقسیم قدرت با رهبری غیرنظامی‌اند (Abdolmohammadi & Cama, 2015). ارگان‌های دفاعی و امنیتی ج.ا. ایران و ارتش پاکستان به ترتیب ذی‌نفعان اصلی در مسائل امنیت ملی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی هر دو کشور در مسائل امنیتی‌اند. به‌نوعی این دوره‌سازی رژیم، مفهوم پاتنام را که به رقابت و مانور سیاسی بین کشورها در سطح خارجی و در بین بازیگران داخلی در سطح داخلی اشاره دارد، مشکل‌ساز می‌کند و نشان می‌دهد که نتیجه نهایی توافق بین دو سطح است (Putnam, 1988: 434). جامعه داخلی در هر دو کشور انحصار نهادهای امنیتی بر سیاست‌گذاری خارجی را تقریباً هنجاری می‌دانند و این به سیاست‌گذاری نسبتاً نئورئالیستی متمرکز بر حداکثر کردن امنیت منجر می‌شود. برای مثال امتناع پارلمان پاکستان از اعزام نیرو برای عملیات نظامی تحت رهبری عربستان سعودی در یمن یکی از نمونه‌هایی است که بحث در سطح دوم (پارلمان) شرایط را در سطح اول تعیین می‌کند (Mukashaf, 2015). این اتفاق حتی زمانی رخ داد که منافع امنیتی و سیاسی اسلام‌آباد در جنوب غرب آسیا به شدت آسیب دید. به همین ترتیب می‌توان مدعی بود این رقابت سطح دوم بین نخبگان غیرنظامی و نظامی بود که مانع از تلاش برای پیشرفت سیاسی بین ایران و پاکستان تاکنون شده است.

نمودار ۱. چارچوب مفهومی مجموعه امنیتی منطقه‌ای و بازی دوسطحی و کاربست آن بر روابط ایران و پاکستان



منبع: نگارنده

۴. یافته‌ها

۴.۱. پیشینه و روندهای سیاسی ایران با پاکستان

ادبیات روابط پاکستان و ایران مملو از این تصور است که هر دو کشور با پیوندهای قوی مذهبی، سیاسی و فرهنگی پیوند خورده‌اند. مناسبات دو کشور ایران و پاکستان پس از استقلال پاکستان در آبان‌ماه ۱۳۲۶ و شناسایی این کشور از طرف دولت ایران و تأسیس سفارت ایران در کراچی آغاز شد که همزمان با این بازگشایی مقامات دو کشور ملاقاتی متعددی با یکدیگر برقرار کردند. به موازات افتتاح سفارت ایران در کراچی (پایتخت آن زمان پاکستان)، لیاقت علی‌خان نخست‌وزیر پاکستان در می ۱۹۴۹ از ایران دیدار کرد. محمدرضا پهلوی نیز اولین رئیس دولتی بود که در مارس ۱۹۵۰ از پاکستان دیدار کرد و در همان ماه پیمان دوستی بین دو کشور به امضا رسید. با این حال نقطه اوج روابط رو به رشد ایران و پاکستان را باید عضویت دو کشور در سازمان‌های منطقه‌ای دانست. از جمله این پیمان‌ها می‌توان به پیمان نظامی سنتو (بغداد) اشاره

کرد. در ادامه تشکیل سازمان همکاری منطقه‌ای^۱ توسط ایران و پاکستان همراه با ترکیه یک قدم اساسی و مهم در همکاری‌های دو کشور به حساب می‌آید (Mohammadi & Ahmadi, 2014: 5-6). پیش از انقلاب اسلامی، ایران بزرگ‌ترین و نیرومندترین حامی مادی، معنوی، سیاسی و نظامی پاکستان بود. در جریان جنگ ۱۹۶۵ هند و پاکستان، ایران نگرانی خود را از تجاوز هند به پاکستان ابراز کرد. این کشور همچنین در جریان جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ از پاکستان حمایت کرد و حتی پس از تعلیق کمک‌های نظامی ایالات متحده به پاکستان، ایران با خرید ۹۰ فروند جت جنگی اف-۸۹ از آلمان غربی این جنگنده‌ها را به پاکستان تحویل داد (Choudhary, 1974).

با این حال ماهیت روابط دوجانبه تهران - اسلام‌آباد پس از سال ۱۹۷۱ شروع به تغییر کرد. ایران به دلیل درآمدهای نفتی و خروج انگلیس از شرق سوئز به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شد، درحالی‌که پاکستان پس از ایجاد بنگلادش از نظر سیاسی ضعیف شده بود. با وجود این در این سال‌ها (ریاست ضیاءالحق) ایران در جهت میانجیگری برای بهبود روابط پاکستان و شوروی، هند و افغانستان و به‌طور متقابل پاکستان در جهت بهبود روابط ایران با کشورهای غرب آسیا تلاش فراوانی کردند و رابطه تعاونی و صمیمانه بین دو دولت برقرار بود. اما این حالت ادامه نیافت، زیرا از سال ۱۹۷۹، و در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مسیرهای متضادی میان دو کشور برای اسلامی شدن دنبال شد و مبانی ایدئولوژیک متفاوت آنها بر دیدگاه سیاسی این دو کشور نسبت به یکدیگر تأثیر گذاشت. انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران را تغییر داد و صدور انقلاب به نقطه اتکای آن تبدیل شد؛ مسئله‌ای که موجب نزدیکی میان پاکستان و پادشاهی‌های عربی و افغانستان که دارای منافع راهبردی مشترک بودند، شد (Steinberg & Woermer, 2013)؛ یعنی براساس نگاه پاتنام تغییر در سیاست داخلی و نگاه سیاست‌گذاران داخلی به تغییر در محیط امنیتی میان ایران و پاکستان منجر شد. در واقع بر اساس مجموعه امنیتی منطقه‌ای الگوی دوستی و دشمنی و معادلات امنیتی دستخوش تغییر شد؛ تغییری که رفته‌رفته پررنگ‌تر می‌شد.

در طول دهه ۱۹۹۰ بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر وقت تلاش محدودی برای اصلاح روابط با واردات گاز از ایران انجام داد، اما بلا تکلیفی سیاسی در داخل پاکستان و افزایش سطح خشونت فرقه‌ای هیچ‌گونه نتیجه‌ای برای تحکیم روابط به‌همراه نداشت. در سال ۱۹۹۸ کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی در جریان تسلط طالبان بر شهر شمالی مزارشریف، ایران را به لبه پرتگاه جنگ کشاند. زمزمه جنگ با رژیم طالبان، پاکستان را نیز در موقعیت دشواری قرار داده بود و تنش‌ها را بین تهران و اسلام‌آباد افزایش داد. در آن زمان پاکستان در کنار عربستان سعودی و

امارات متحده عربی حامیان اصلی رژیم طالبان بودند (Jahanpour, 1999). پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همکاری نزدیک پاکستان با ایالات متحده و حضور ایالات متحده در افغانستان تأثیر مثبتی بر ماهیت روابط پاکستان و ایران نداشت. در زمان رئیس‌جمهور مشرف روابط پاکستان با ایران به دلیل همین عامل آمریکا اساساً ناآرام بود (Ahmadi & Bidulaah Khani, 2002: 12). با این حال مشرف به تعامل خود با ایران ادامه داد، به‌گونه‌ای که در آن زمان پاکستان نقش یک پیام‌رسان را نه تنها بین ایالات متحده و ایران، بلکه بین قدرت‌های غرب آسیا و ایران ایفا کرد. با این حال، همه اینها از نظر سیاسی شایان توجه نبود و دولت ایران همچنان به پاکستان با سوءظن نگاه می‌کرد. در زمان آصف علی زرداری رئیس‌جمهور جدید پاکستان شرایط تا حدود بسیار تغییر یافت (The Guardian, 2009). دولت جدید تمایل سیاسی زیادی نسبت به ایران از خود نشان داد و فعالانه با همسایه غربی خود در بخش تجارت و انرژی وارد تعامل شد. این رویکرد پاکستان که گسست از سیاست سنتی سرد در قبال ایران بود، سعودی‌ها را بر آن داشت تا با حمایت از ارتش پاکستان برای برکناری زرداری اقدام کنند، با وجود این مهم‌ترین تحول در دوره تصدی دولت زرداری تصویب پروژه خط لوله گاز ایران و پاکستان بود (Dawn, 2013). با این حال این کنشگری با خروج دولت زرداری پایان یافت، زیرا دولت جدید پاکستان نوازشریف - متحد قدیمی عربستان سعودی - رویکردی نسبتاً محتاطانه در قبال ایران در پیش گرفت. کمک ۱/۵ میلیارد دلاری عربستان به پاکستان نگرانی‌های اقتصادی برای پروژه‌های انرژی و زیرساختی را کاهش و ذخایر ارزی کشور را افزایش داد (Zahra-Malik, 2014).

این تحول، در کنار اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر ایران، پروژه خط لوله گاز ایران-پاکستان را بیشتر با مشکل مواجه کرد. با ورود عمران خان به قدرت در ابتدا به تغییر چشمگیری در روابط دوجانبه با ایران منجر نشد و در روزهای آغازین دولت خان، روابط تیره‌تر شد، زیرا پاکستان بسیار به روابط با عربستان سعودی علاقه‌مند بود. در اکتبر ۲۰۱۹، عمران خان مأموریتی را برای میانجیگری بین ایران و عربستان سعودی آغاز کرد و اگرچه این مأموریت موفقیت‌آمیز نبود، اما نشان‌دهنده تغییر در دیدگاه دولت وی برای طرفداری از عربستان سعودی بود (Panda, 2019). چرخش شایان توجه دولت عمران خان به سمت تهران برای تعمیق روابط سیاسی-اقتصادی و فاصله گرفتن نسبی از ریاض خوشایند دولتمردان عربستان نبود و همین عوامل سبب شد از کمک اقتصادی بیشتر به دولت وی خودداری کنند. بنابراین در حوزه سیاست خارجی، عمران خان به‌نوعی به دنبال برقراری موازنه در روابط سیاست خارجی خود در حوزه منطقه‌ای میان ایران و عربستان و در حوزه نظام بین‌الملل میان آمریکا و چین و همچنین افزایش روابط با روسیه بود؛ این نوع نگاه موجب شده است که برخی از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به سیاست خارجی پاکستان انتقاداتی داشته باشند که این موضوع از نگاه عمران خان این‌گونه مطرح شده که

آنها با فشارهایی که به سیاست خارجی پاکستان اعمال می‌کردند، در پی دخالت در امور داخلی این کشورند (Chatham house, 2024).

با روی کار آمدن شهباز شریف در سال ۲۰۲۲ به‌نظر می‌رسد اولویتش تقویت ارتباطات با ایران باشد، زیرا در یک مقطع زمانی پاکستانی‌ها خیلی تحت نفوذ عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای حوزه خلیج‌فارس مانند امارات بودند، اما اکنون شرایط با توجه به اینکه بن‌سلمان و حتی بن‌زاید دیگر به‌دنبال رقابت ژئوپلیتیک تنش‌زا با ایران نیستند و تلاش می‌کنند تا رقابت‌ها به‌صورت برقراری ثبات باشد تا به سمت توسعه و پیشرفت فناوری بروند، تفاوت دارد. به همین دلایل شهباز شریف نیز در توسعه روابط با ایران با دست‌بازتر عمل می‌کند و در داخل متحد آنها حزب مردم است که همواره با ایران روابط دوستانه‌تری داشته است (Al-monitor, 2023). بنابراین همان‌گونه‌که تاریخچه این دو کشور نشان داد، در دوره‌های مختلف زمانی، رفتار زیگزاگ‌گونه‌ای میان پاکستان و ایران وجود داشته است؛ امری که هم متأثر از مجموعه عوامل داخلی (انقلاب ایران - حمایت پاکستان از طالبان - نیروهای حزبی متمایل به غرب - حاکمان غرب‌گرا) و هم عوامل بین‌المللی (کشورهای غربی - عربی) است و سبب می‌شود تا فهم امنیتی دو کشور از یکدیگر را به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران تغییر و دچار نوسان و عدم ثبات سازد. موضوعی که در ادامه تجزیه‌وتحلیل خواهد شد.

۲.۴. پیامد امنیتی تغییر الگوهای منطقه‌ای ایران و پاکستان

روابط پاکستان و ایران با استقلال دولت پاکستان از هند بسیار دوستانه بود و نخبگان هر دو کشور روابط مستحکمی بین خود برقرار کرده بودند. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، شخصیت و ایدئولوژی دولت در تهران را تغییر داد و ایران به‌عنوان نیروی اصلی ضدآمریکایی در منطقه ظاهر شد. در مقابل اما پاکستان به ایفای نقش محوری در نظم امنیتی منطقه‌ای آمریکا علیه اتحاد جماهیر شوروی ادامه داد و مشارکت راهبردی قوی با عربستان سعودی ایجاد کرد. ارتش پاکستان نقش ضامن امنیتی برای عربستان سعودی را بر عهده گرفت و در مقابل عربستان سعودی در شرایط نابسامانی اقتصادی از پاکستان حمایت مالی کرد (Weinbaum & Khurram, 2014). ایران پس از انقلاب اسلامی همواره نگرانی‌هایی در مورد رابطه پاکستان و عربستان داشت، به‌طوری‌که هم ایران و هم عربستان سعودی از گروه‌های مذهبی مخالف در پاکستان حمایت می‌کردند که این به رویارویی فرقه‌ای بین این گروه‌ها منجر شد که در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. همچنین در اواسط دهه ۱۹۹۰ پاکستان و ایران در افغانستان، جایی که هر دو طرف از جناح‌ها و گرایش‌های فرقه‌ای مختلف حمایت کردند، با هم درگیر شدند (Ahmed & Akbarzadeh, 2020). زمانی که خاتمی رئیس‌جمهور ایران به هند سفر کرد، روابط میان تهران و

اسلام‌آباد پیچیده‌تر شد، زیرا هر دو کشور توافق کردند که چشم‌انداز راهبردی دو کشور از طریق تعامل اقتصادی و روابط دفاعی تقویت شود. این نزدیکی بین هند و ایران بر اساس دیدگاه راهبردی مشابه در مورد افغانستان ایجاد شد (Christensen, 2011). بنابراین به‌طور رسمی عامل هند وارد روابط پاکستان و ایران شد؛ امری که به افزایش بی‌اعتمادی متقابل بین دو همسایه انجامید.

علاوه بر عامل هند، عامل امنیتی مهم دیگر میان دو کشور بحث مرزها بود، زیرا درگیری‌های مرزی با قاچاقچیان - ورود اتباع بیگانه از پاکستان به ایران و ورود تروریست‌ها به خاک ایران بعضاً به ایجاد حرکات نیروهای نظامی ایرانی به مسائل می‌شد. این امور بود که سبب شد تا تأمین امنیت مرزها میان دو کشور طرح شود (Basit, 2018). به‌نظر می‌رسد که دولت آصف زرداری نسبت به مسئله امنیت مرزها استقبال بیشتری داشته و فعالانه با مقامات ایرانی برای ایجاد سازوکارهایی برای ارتقای امنیت مرزها تعامل داشت که این امر به نشست مقامات امنیتی هر دو کشور در سال ۲۰۰۹ در کوئته، پایتخت بلوچستان پاکستان انجامید که راه را برای همکاری در زمینه امنیت مرزی هموار کرد. نمو اصلی این همکاری به آن زمان برمی‌گردد که در سال ۲۰۱۰، ایران عبدالمالک ریگی رهبر جندالله را دستگیر کرد. در پی این دستگیری نماینده پاکستان در تهران مدعی شد پاکستان نقش مهمی در آن ایفا کرده است. با این حال با تغییر دولت و روی کار آمدن دولت نواز شریف از حزب مسلم لیگ^۱ شرایط برای سالیان بعدی تغییر کرد. برای نمونه مرزبانان ایرانی توسط تروریست‌ها در مارس ۲۰۱۴ ربوده شدند و در پی آن ایران مدعی شد که این مرزبانان در داخل پاکستان نگهداری می‌شوند؛ این امر سیستم مدیریت مرزی را دچار مشکل و التهاب ساخت (Bokhari, 2014). در نهایت روابط دوجانبه وارد دوره پرتنش شد، زیرا در پی این حادثه نیروهای امنیتی ایران به گلوله‌باران منطقه مرزی پاکستان متوسل شدند که به کشته شدن یک نگهبان مرزی پاکستان منجر شد. در پی این دست از حوادث در سال ۲۰۱۷ جیش‌العدل مرزبانان ایرانی را ربود و سپس به شهادت رساند. در پاسخ، فرمانده ارتش ایران تهدید کرد که به پناهگاه‌های امن شبه‌نظامیان در داخل پاکستان حمله خواهد کرد (Reuters, 2017). این تهدید از سوی ایران درست در زمانی انجام گرفت که پاکستان درگیر تنش مرزی در امتداد خط کنترل^۲ در کشمیر بود و نیروهای هندی و پاکستانی یکدیگر را هدف قرار می‌دادند. از سوی دیگر، نیروهای امنیتی پاکستان با ارتش ملی افغانستان در بلوچستان شمالی در نزدیکی شهر مرزی چمن پاکستان درگیر شدند که به تلفات غیرنظامی منجر شد. اظهارات نیروی امنیتی ایران، به نارضایتی دولت پاکستان انجامید (Aljazeera.com, 2017). با

1. PML-N

2. LOC

این حال فرمانده ارتش جمهوری اسلامی ایران این پیام روشن را به پاکستان داد که در آینده چنین اقداماتی توسط عناصر فرامرزی قابل تحمل نخواهد بود و ایران نه تنها می‌تواند روند رویارویی با دو همسایه دیگر پاکستان را دنبال کند، بلکه از ابزارهای متقارن یا نامتقارن برای پاسخ استفاده خواهد کرد. تنش‌های مرزی، حتی در دولت تحت ریاست عمران‌خان در اسلام‌آباد همچنان در دستور کار قرار داشت. زمانی که ۲۷ پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک بمب‌گذاری در نزدیکی مرز پاکستان در فوریه ۲۰۱۹ به شهادت رسیدند، نگرانی‌ها دوباره افزایش یافت. در محافل رسانه‌ای ایران، کمپین همه‌جانبه‌ای علیه پاکستان آغاز شد و اسلام‌آباد را به دلیل انفعال علیه این جنایت‌ها محکوم کرد. این در حالی است که در بیانیه فرمانده کل سپاه، عربستان سعودی و امارات در حمایت از این حملات مقصر شناخته شدند. این سازمان همچنین محافل امنیتی پاکستان را به حمایت و پناه دادن به تروریست‌ها متهم و پاکستان را با عواقب سنگین تهدید کرد (Karim, 2023: 12). بر این اساس مجاورت جغرافیایی نقش بسیار پررنگی را در مناسبات امنیتی دو کشور ایفا می‌کند، زیرا تنش‌های مرزی که برخاسته از عوامل متعدد است، سبب شده است تا معادلات امنیتی میان دو کشور هم نیروهای داخلی آنان را درگیر سازد و هم آنکه در مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نقش سایر بازیگران را نیز پررنگ سازد.

این دست از تحولات تنش‌های دوجانبه را افزایش داد، اما سفر عمران‌خان به ایران این تنش‌های سیاسی را بسیار کاهش داد. عمران‌خان اولین رهبر پاکستانی بود که اعتراف کرد خاک پاکستان در گذشته علیه ایران استفاده شده است (درک مشترک از معضل امنیتی). اظهارات نخست‌وزیر با انتقاد شدید احزاب مخالف پاکستانی مواجه شد، اما در ایران تأثیر مثبتی داشت. روابط دوجانبه از آن زمان بهبود یافت و انتظار می‌رفت که مسائل امنیتی مرزی حداقل در دولت عمران‌خان، روابط این دو کشور را مخدوش نکند. با این حال، نیروهای امنیتی در سمت مرز پاکستان همچنان با حملات گروه‌های شورشی بلوچ روبه‌رو بودند که طرف پاکستانی مدعی است این گروه‌ها پناهگاه‌های امنی در ایران پیدا کرده‌اند. این حملات برون‌مرزی از زمان تغییرات سیاسی در افغانستان که به تسلط طالبان بر این کشور در سال ۲۰۲۱ منجر شد، در حال افزایش بوده است (Karim, 2022). با این حال اوج تنش که در روابط میان دو کشور بی‌سابقه بود، در ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴، رخ داد، زیرا ج.ا. ایران حملات موشکی به استان بلوچستان پاکستان انجام داد و در پی آن دو پایگاه گروه تروریستی جیش‌العدل هدف قرار گرفت. این حمله در پی یورش این گروه تروریستی به ایستگاه پلیس در سیستان و بلوچستان رخ داد، زیرا سبب شهادت ۱۱ افسر پلیس ایران شده بود. با این حال کمتر از دو روز بعد در ۱۸ ژانویه، پاکستان با استفاده از موشک‌ها و جنگنده‌ها به استان سیستان و بلوچستان ایران حمله و ادعا کرد که پناهگاه‌های شورشیان قومی ضدپاکستانی را که در خاک ایران فعالیت می‌کنند، هدف قرار داده است

(Fraioli, 2024: 3). پس از این حملات، به نظر نمی‌رسد که تنش‌ها بیشتر از این تشدید شود، زیرا اسلام‌آباد و تهران بیشتر روی خنثی‌سازی شورش‌های بلوچ در مرزهای خود تمرکز دارند تا اینکه یکدیگر را هدف قرار دهند. همچنین وزارتخانه‌های امور خارجه هر دو کشور اعلام کرده‌اند که اقدامات آنها به هدف قرار دادن شورشیانی که در قلمرو کشور دیگر پناه گرفته‌اند، بوده و نه خود دولت و حتی روز بعد از حملات پاکستان، هر دو کشور بر روابط برادرانه خود تأکید کردند. بنابراین در مقایسه با ماهیت به‌هم‌پیوسته درگیری‌ها و بی‌ثباتی‌ها در غرب آسیا، تنش‌ها بین ایران و پاکستان نسبتاً کنترل شده هستند و بعید به نظر می‌رسد که به کشورهای همسایه و منطقه وسیع‌تر جنوب غرب آسیا سرایت کند.

۴.۳. گروه‌های غیردولتی و سازوکارهای تبدیل قدرت یا تهدید در روابط ایران با

پاکستان

یکی از مسائلی که روابط پاکستان و ایران را پیچیده کرده است، وجود گروه غیردولتی شیعیان پاکستان یا همان زینبیون در جنگ داخلی سوریه علیه داعش و سایر نیروهای تکفیری است. این گروه عمدتاً برخاسته از پاراچنار مکان اژانس قبیله‌ای کُرم سابق و یکی از نواحی استان خیبر پختونخوا پاکستان، بخشی از منطقه قبیله‌ای تحت اداره فدرال پاکستان^۱ در امتداد مرز افغانستان، است (Alfoneh, 2017). پاراچنار مورد منحصربه‌فردی است، زیرا منطقه‌ای با اکثریت شیعه است که از طریق مناطق قبیله‌ای سنی احاطه شده است و تا زمان پاکسازی این گروه در سال ۲۰۱۱، کانون طالبان بود (Ahmadi & Ghahroudi, 2017:5). پاراچنار شاهد تعداد زیادی حملات تروریستی بوده است که در آن صدها نفر مردم محلی کشته شده‌اند. اگرچه دولت پاکستان حملات نظامی متعددی را علیه طالبان آغاز و سنگرهای اصلی آنها را در مناطق قبیله‌ای پاکسازی کرد، اما روایتی در میان شیعیان پاراچنار شکل گرفت که دولت به اندازه کافی برای محافظت از آنها اقدام نکرده است (Shams, 2017).

این فشار داخلی و عدم حمایت مناسب دولت از شیعیان، با حوادث منطقه‌ای در سوریه و شکل‌گیری گروه تکفیری داعش همزمان شد، به همین دلیل طلاب و جوانان پاکستانی بسیار زیادی برای دفاع از حرم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) قصد رفتن به سوریه و جنگیدن با تروریست‌های تکفیری کردند که البته به‌علت حساسیت‌ها و تمرکز سرویس اطلاعاتی پاکستان روی شیعیان، این امکان برای آنها به‌راحتی فراهم نبود. در همین حال عده‌ای از جوانان پاکستانی که در ایران حضور داشتند و اتفاقاً بخش زیادی از آنان را طلاب تشکیل می‌دادند، تصمیم گرفتند در زمستان ۱۳۹۲ اجتماعی را در تهران برپا کنند. سرانجام برگزاری این اجتماع،

1. FATA

شکل‌گیری هسته اولیه و ۲۴ نفره «زینیون» برای دفاع از حرم اهل بیت (ع) بود. چند هفته بعد در آغاز سال ۱۳۹۳، اولین گروه از رزمندگان زینیون موفق شدند خود را به سوریه برسانند و با تروریست‌های تکفیری مبارزه کنند. پس از این اعزام، داوطلبان پاکستانی برای حضور در جبهه مقاومت به سرعت زیاد شدند. این درخواست‌ها آنقدر زیاد شد که تیپ زینیون در مدت زمان کوتاهی به یک لشکر تبدیل شد و از آن پس همه این گروه را با عنوان لشکر زینیون شناختند. لشکر زینیون در عملیات آزادسازی و تثبیت مناطق «حلب»، «نبل و الزهرا»، «تدمر»، «حما» و حاشیه دمشق، حضور تأثیرگذاری داشت. محافل امنیتی پاکستان از این تحولات خوشنود، زیرا این نوع جذب نیرو می‌توانست باعث جذب واکنشی شبه‌نظامیان سنی و تشدید بیشتر درگیری‌های فرقه‌ای در کشور شود. این امر مقامات پاکستانی را مجبور کرد تا فعالیت انصار الحسین را، سازمانی که در جذب نیرو در مناطق قبیله‌ای نقش داشت، ممنوع اعلام کنند (Azam & Iqbal, 2017).

این تنش‌ها و نگرانی‌های بالقوه نیروهای امنیتی پاکستان به زودی خودش را در سطح داخل به صورت بالفعل نشان داد، زیرا وضعیت امنیتی در پاراچنار مقر زینیون که وضعیت جغرافیایی خاصی داشت، در سال ۲۰۱۷ به علت اینکه این شهر هدف چندین حمله تروریستی قرار گرفته بود، ناپایدار شد. پس از کشته شدن ۷۲ نفر در دو بمب‌گذاری در پاراچنار، ظاهراً تظاهرات ساکنان محلی توسط هنگ مرزی^۱ به دستور فرمانده محلی آن سرهنگ عمر، هدف گلوله قرار گرفتند. تحصن مردم محلی به مدت هشت روز ادامه یافت تا اینکه فرمانده ارتش پاکستان وارد شد و درخواست‌ها برای تقویت امنیت و برکناری سرهنگ عمر را پذیرفت. یکی از خواسته‌ها تغییر طرح امنیتی برای منطقه بود، زیرا مشخص شد که رفتار نظامیان تبعیض‌آمیز بوده است (Hashim, 2017). این اولین باری بود که یک افسر در حال خدمت ارتش پاکستان به‌عنوان مأمور کمک به تروریست‌ها علیه شیعیان معرفی می‌شد (Shiite.news, 2017).

با این حال با بهبود وضعیت نظم و قانون کلی در کشور و کاهش خشونت از جمله خشونت فرقه‌ای و همچنین با فروکش کردن تدریجی درگیری در سوریه، مسئله مبارزان شیعی پاکستانی (گروه غیردولتی زینیون) و وضعیت آنها در جایگاه دوم قرار گرفت. اما در آغاز سال ۲۰۲۰، دو تحول این موضوع را دوباره به کانون توجه قرار داد؛ اولین مورد، کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای پاکستانی از تیپ زینیون در شمال سوریه بود که پایگاه‌ها و تأسیسات آنها مورد حمله پهبادهای ترکیه قرار گرفت (Khan, 2020). این حملات وضعیت جالبی را در اسلام‌آباد ایجاد کرد، زیرا پیش از این اتفاق پاکستان از تهاجم ترکیه به مناطقی از سوریه حمایت کرده بود. بنابراین مقامات پاکستانی در خصوص کل این حادثه سکوت کردند تا نه تنها هرگونه سوءتفاهم

دیپلماتیک با ترکیه را محدود کنند، بلکه هرگونه درخواست در داخل پاکستان برای تحقیقات بیشتر در مورد این موضوع را محدود سازند. با این حال دولت پاکستان برخی از اعضای سابق زینبیون در کراچی را دستگیر کرد، این رویداد نشان داد که فعالیت نظامیان و حضور آن در سوریه ممکن است مشکلاتی را برای پاکستان در عرصه سیاست خارجی به‌ویژه در مقابل ترکیه ایجاد کند (Ahmed, 2020).

شاید بتوان دلایل این عدم واکنش را از چندین بعد مختلف بررسی کرد؛ نخست اینکه پاکستان در شرایط اقتصادی بسیار دشواری قرار داشت؛ دوم اینکه روابط اسلام‌آباد و ریاض اخیراً رو به سردی گذاشته بود و سوم اینکه پاکستان قصد تقابل همزمان با ریاض و تهران را نداشته و ندارد. با وجود این دولت پاکستان در راستای مطالبات امنیتی خود در داخل و منطقه در ۲۹ مارس ۲۰۲۴ لشکر زینبیون را با اینکه این گروه نقش زیادی در مبارزه با تروریسم در غرب آسیا و به‌طور مشخص سوریه داشتند، در فهرست تروریستی خود قرار داده است (Nacta, 2024). این در حالی است که گروهک تروریستی جیش‌العدل که اقدامات تروریستی زیادی در ایران انجام داده است، در فهرست تروریستی پاکستان قرار ندارد. این مسئله نشان می‌دهد نوع نگاه دو کشور به مشکلات امنیتی تا حدود بسیاری متفاوت از یکدیگر است؛ یعنی چارچوب امنیتی منطقه‌ای مناسبی میان پاکستان و ایران وجود ندارد و این دو کشور بر سر مسائلی همچون شناخت گروه‌های تروریستی و مناسبات منطقه‌ای در دو طیف متناظر با یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ امری که موجب تشدید مباحث امنیتی میان دو کشور خواهد شد که نمود بیرونی آن در شناخت زینبیون (نیروی مورد حمایت ایران) به‌عنوان تروریسم در نظر پاکستان و جیش‌العدل در نظر ایران خود را نشان داده است.

دومین حادثه مهم در سال ۲۰۲۰ که امنیت منطقه‌ای میان دو کشور را از یکدیگر متأثر ساخت، بحث کووید ۱۹ بود. در آن سال زائران پاکستانی که در حال برگشت از ایران بودند، دولت پاکستان تصمیم گرفت مرز با ایران را ببندد و از تردد زائران احتمالاً مبتلا به کووید-۱۹ به پاکستان جلوگیری کند. اما این تصمیم توسط دولت فدرال لغو شد (Atyani & Khan, 2020). در نتیجه این موضوع در داخل پاکستان به موضوع داغ سیاسی تبدیل شد و مخالفان، مشاور ویژه نخست‌وزیر در امور پاکستانی‌های خارج از کشور ذوالفقار بخاری را متهم کردند که با استفاده از نفوذ خود در ایالت بلوچستان، مرز را باز کرده است. بخاری این اتهامات را رد کرد، با این حال در افکار عمومی پاکستان این موضوع جنجالی شد. نفوذ بخاری در امور سیاست خارجی سبب ناراحتی ارگان‌های نظامی و امنیتی پاکستان که مورد حمایت عربستان سعودی بود، شد. بنابراین بر اساس نگاه پاتنام تأثیر تنش‌های داخلی و عوامل خارجی نقش مهمی را در طی سالیان اخیر میان تهران-اسلام‌آباد ایفا کرده است. این عوامل صرفاً در سال ۲۰۲۰ متوقف نشد و پس از آن

تاکنون نیز تنش میان دو کشور در مباحث مختلف وجود داشته است؛ تنشی که بازی امنیتی منطقه‌ای را با وجود مجاورت جغرافیایی دو کشور و اینکه مسائل امنیتی می‌تواند به هر دو سرایت کند، بسیار پیچیده ساخته است. شاید همان‌گونه که گفته شد مباحث دومینوار رخ داده و نقش بازیگران داخلی و خارجی در مناسبات دو کشور بسیار حائز اهمیت باشد، اما بیش از آن این فهم مهم است که هنوز اسلام‌آباد - تهران به درک مشترکی از مباحث امنیتی دست نیافته‌اند؛ امری که در موضوع گروه غیردولتی زینبیون خود را به صورت واضح نشان داد.

۵. تجزیه و تحلیل و نتیجه

رقابت میان ایران و پاکستان می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد هر دو کشور داشته باشد. با اینکه پاکستان دارای چالش‌های زیادی است، اما کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی عملیاتی ساختن زمینه‌های همکاری و از بین بردن تقابل میان دو کشور، رقابت آنها را در سطح منطقه محتمل می‌کند. در هر صورت، بر اساس داده‌های موجود و فرض پژوهش در رقابت میان کشورهای ایران و پاکستان در سطح منطقه عواملی مانند مسائل مذهبی - ایدئولوژیکی، قومیتی، مرزی و عامل هند و عربستان نقش بارزی را بازی می‌کنند. به غیر از رقابت، توانایی هریک از این دو کشور به پتانسیل‌های محیطی، سیاست خارجی در قبال کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و جهانی و راهبردهای خود کشورها بستگی دارد و کشوری می‌تواند رقابت را ادامه دهد که توان لازم را برای تأثیرگذاری بر عوامل بالا داشته باشد. بنابراین مشکل هسته اصلی روابط پاکستان و ایران فقدان روابط سیاسی و تعامل اقتصادی بین دو کشور است که بتواند نگرانی‌های امنیت ملی و ارتباط فرقه‌ای بین دو طرف را برطرف کند. بنابراین شاید بازنگری احتمالی در چشم‌انداز راهبردی و همسویی پاکستان در منطقه و نیز تحول در روابط رقابتی ایران با چین - هند و عربستان، آینده روابط دوجانبه را تغییر دهد. البته در این بحث باید همکاری بین رهبران سیاسی و نظامی در این موضوع را نیز در نظر داشته باشیم. در نتیجه معادلات امنیتی و سیاسی دو کشور منوط به تغییرات اساسی در مباحث مذکور است؛ مباحثی که نشان‌دهنده لزوم تغییر در بخش‌های داخلی و منطقه‌ای است.

تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به طور کامل رعایت کرده است.

سیاسگزاری

نگارنده بر خود لازم می‌داند از خانم دکتر صدیقه آذین به سبب مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سیاسگزاری کند.

References

- Abdolmohammadi, P. and Cama, G. (2015) Iran as a Peculiar Hybrid Regime: Structure and Dynamics of the Islamic Republic, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 42 (4): 558–78, doi: 10.1080/13530194.2015.1037246.
- Ahmadi, Hamid and Bidullah Khani, Arash (2002), Taliban of Pakistan; Causes of Emergence, Security Challenges. *Politics Quarterly*, Volume 42, Number 1, Spring. **[in Persian]**
- Ahmadi, Hamid and Ghahrudi Karimi, Maedeh (2017), Salafist Identity Search in Baluchistan Province of Pakistan. *Politics Quarterly*, Volume 48, Number 2, Summer. **[in Persian]**
- Ahmed, A. (2016) Uri Attack and The Doval Doctrine, *Defence Journal*, 20 (3): 13–8, <https://tasianwatch.wordpress.com/2016/11/07/uri-attack-and-the-dovaldoctrine/>.
- Alfoneh, A. (2017) Shia Pakistani fighters in Syria, *Atlanticcouncil.org*, 26 April, www.atlanticcouncil.org/blogs/syriacouncil/shia-pakistani-fighters-in-syria/.
- Aljazeera.com (2017) Iran Threatens to Hit ‘Terror Safe Havens’ in Pakistan, 9 May, www.aljazeera.com/news/2017/05/09/iran-threatens-to-hit-terror-safe-havens-in-pakistan/?gb=true.
- Al-monitor (2023), Iran-Pakistan Cooperation Complicated By Sanctions, Porous Border. <https://www.al-monitor.com/originals/2023/05/iran-pakistan-cooperation-complicated-sanctions-porous-border>.
- APP (2019) Transcript of RAW Agent Kulbhushan, *Dawn.com*, 17 July, www.dawn.com/news/1248786.
- Atyani, B. and Khan, N. (2020) Hundreds Enter Pakistan from Iran Despite Border Closure, *Arabnews.com*, 29 March, www.arabnews.com/node/1649091/world.
- Azam, Z. and Iqbal, K. (2017) Shiite Mobilization and The Transformation of Sectarian Militancy in Pakistan, *Mei.Edu*, 29 March, www.mei.edu/publications/shiitemobilization-and-transformation-sectarian-militancy-pakistan.
- Basit, S. (2018) Explaining the Impact of Militancy on Iran–Pakistan Relations, *Small Wars and Insurgencies*, 29(5–6): 1040–64, www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09592318.2018.1546362?needAccess=true. doi: 10.1080/09592318.2018.1546362.
- Bokhari, F. (2014) Analysis: Pakistan and Iran: friends or foes?, *Dawn.com*, 30 March, www.dawn.com/news/1096598.

- Buzan, B. and O. Wæver (2003), *Regions and Powers: The Structure of International Security* Cambridge: Cambridge University Press.
- Calabrese, J. (1997) The struggle for security: New and Familiar Patterns in Iran-Pakistan Relations, *Journal of South Asian and Middle Eastern Studies*, 21(1): 61-80, www.proquest.com/scholarly-journals/struggle-security-new-familiar-patterns-iran/docview/1311896066/se-2?accountid=8630.
- Chathamhouse (23 January 2024), *Iran-Pakistan Tensions: Why further Escalation is Unlikely*. <https://www.chathamhouse.org/2024/01/iran-pakistan-tensions-why-further-escalation-unlikely>.
- Christensen, J.B. (2011) *Strained Alliances: Iran's Troubled Relations to Afghanistan and Pakistan*, Copenhagen: Danish Institute for International Studies (DIIS).
- Dehshiri, Mohammad Reza and Meshki, Mohammad Reza (2016), *The Security Threats of Pakistani Extremist Groups Against the Islamic Revolution*. *Islamic Revolution Studies Quarterly*, 14th year, spring 2016, number 48. **[in Persian]**
- Fraioli, Paul (2024), *The Tit-for-Tat Conflict Between Iran and Pakistan*. *Strategic Comments*. March 2024 Volume 30 Comment 04, go.iiss.org/stratcom.
- Hashim, A. (2017) *Pakistan Blast Victims end Sit-in as Demands Met*, *Aljazeera.com*, 30 June, www.aljazeera.com/news/2017/06/30/pakistan-blast-victims-end-sit-in-as-demands-met/?gb=true.
- Iqbal, A.R. (2012) *Internal and External Factors in Balochistan Conflict*. Report No. 4, Islamabad, Pakistan: Institute for Strategic Studies, National Defence University.
- Javadi Arjamand, Mohammad Jafar, Bidullah Khani, Arash and Rezaizadeh, Peyman (2013), *Geostrategic Analysis of Iran-Pakistan Relations with Emphasis on The Security factor*. *Subcontinent Studies Quarterly*, Year 4, Number 12, Fall. **[in Persian]**
- Karim, U. (2022) *Uneasy Relations: Geopolitical Challenges for Iran on its Eastern Border*, 4 March, <https://agsiw.org/uneasy-relations-geopolitical-challenges-foriran-on-its-eastern-border/>.
- Karim, Umer and Saloni Kapur (2023), *Regional Security in South Asia and the Gulf*. Routledge is an Imprint of the Taylor & Francis Group, an informa business.
- Karim, Umer (2023), *The Pakistan-Iran Relationship and the Changing Nature of Regional and Domestic Security and Strategic Interests*. *Global Discourse*, vol.13, No.1, <https://doi.org/10.1332/204378921X16585144068826>.
- Khan, N. (2020) *50 Pakistani fighters killed in Turkish strikes in Syria - Pakistan officials*, *Arabnews.pk*, 6 March, www.arabnews.pk/node/1637736/pakistan.

- Mohammadi, Hamid Reza and Ahmadi, Ebrahim (2014), Analysis of the Fields of Convergence Between Iran and Pakistan (Explanation of three Approaches of Geoculture, Zooeconomy and Geopolitics). *Islamic World Political Research Quarterly*, fifth year, second issue, summer. **[in Persian]**
- Mukashaf, M. (2015) Pakistan Declines Saudi Call for Armed Support in Yemen Fight, Reuters. com, 10 April, <https://uk.reuters.com/article/us-yemen-security/pakistan-declinessaudi-call-for-armed-support-in-yemen-fight-idUSKBN0N10LO20150410>.
- Nicolini, Beatrice (2024), The Baloch People: Iran-Pakistan Crisis. https://www.researchgate.net/publication/377555889_2024_The_Baloch_People_Iran-Pakistan_Crisis.
- Putnam, R.D. (1988) Diplomacy and Domestic Politics: the logic of Two-level Games, *International Organization*, 42(3), www.jstor.org/stable/2706785. Doi: 10.1017/ S0020818300027697.
- Raza, Fatima (2020), Pakistan-Iran Relations in the Evolving International Environment. https://strategicstudies.org.pk/index.php/strategic_studies/article/view/77.
- Reuters.com (2017) Iran warns will hit Militant ‘safe havens’ inside Pakistan, 8 May, www.reuters.com/article/us-iran-pakistan-security-idUSKBN1840SY.
- Shiite.news (2017) Four Shia Muslims Martyred Due to FC firing on Order of Colonel Umar, 23 June, <https://shiite.news/shiitenews/pakistan-news/item/29197-fourshia-muslims-martyred-due-to-fc-firing-on-order-of-colonel-umar/>.
- Simbar, Reza, Rezapour, Daniyal and Azin, Siddighe (2019), The Policy of the Islamic Republic of Iran Towards the Countries of the Persian Gulf Cooperation Council. *Quarterly journal of fundamental and Applied Studies of the Islamic world*, second year, fourth issue, winter. **[in Persian]**
- Weinbaum, M.B. and Khurram, A.G. (2014) Pakistan and Saudi Arabia: Deference, Dependence, and Deterrence, *Middle East Journal*, 68 (2): 211–28, www.jstor.org/stable/43698156.

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

